

فصلنامه ی دین و سیاست، شماره ی دو، زمستان ۸۳، ص ۴۷-۲۵

بررسی علل برتری قرائت عاصم

علی اکبر محمدی*

چکیده

یکی از شاخه های قرآن پژوهی علم قرائت است. این علم به دنبال تعیین قرائت صحیح قرآن، مطابق با قرائت پیامبر گرامی اسلام (ص)، است. از صاحبان مکتب در این زمینه هفت نفر برگزیده و به قراء سبعة مشهور شدند: ابو عمرو بن علاء، حمزه بن حبيب زیات، عاصم بن ابی النجود، کسائی، ابن کثیر، ابن عامر و نافع. از این میان، عاصم بر دیگران ترجیح دارد. اهل تشیع و تسنن بر صلاحیت های دینی و علمی وی اعتراف دارند و سند قرائت او را ممتاز دانسته اند؛ زیرا این قرائت تنها با یک واسطه به امیر المؤمنین علی (ع) و از طریق ایشان نیز به خود پیامبر (ص) می رسد.

کلید واژگان: علم قرائت، قراء سبعة، قرائت عاصم.

مقدمه

با شروع نزول قرآن، امر قرائت نیز در میان مسلمانان رونق و جایگاهی اساسی

*. مربی، دانشکده شهید محلاتی

می‌یابد، اما اقتضای حضور شخص پیامبر گرامی اسلام (ص) و پس از رحلت آن حضرت، حضور صحابه ی گرانقدر ایشان در میان مسلمانان، آن بود که این علم در سال‌های اولیه ی ظهور اسلام در شکل ابتدایی و غیر تخصصی خود سیر نماید.

با رحلت پیامبر اسلام (ص) و سپری شدن عصر صحابه، علم قرائت شکل تخصصی به خود می‌گیرد. قرآن کریم در این دوره متحمل قرائت‌های گوناگون شد و نحله‌های متعددی در این زمینه پدیدار شدند. از آن زمان تاکنون، علم قرائت تکامل شایانی یافته و با طرح مباحث گوناگون و دقیق روز به روز بر اهمیت آن افزوده شده است.

ارائه ی تعریف اصطلاحی برای علم قرائت، انجام مباحث گسترده در این زمینه، ظهور تألیفات متعدد پیرامون آن، تقسیم بندی قرائت‌ها به معتبر و غیر معتبر و تعیین حد و مرزهای مشخص برای قرائت‌ها و... معلول همان تخصصی شدن و پیشرفتی است که در طول زمان در این حوزه به وجود آمده است.

ما در این نوشتار برآنیم تا با بهره‌گیری از مساعی محققان به بررسی علل برتری قرائت عاصم بر دیگر قرائت‌ها بپردازیم. با توجه به این که قرآن‌های موجود بر پایه ی قرائت عاصم به روایت حفص نگارش یافته است اهمیت تحقیق در این زمینه بیشتر نمایان می‌گردد.

علم قرائت، تعریف، موضوع و فایده

علم قرائت درباره ی قرائت قرآن کریم و وجوه گوناگون مرتبط با آن بحث می‌کند و از آن جهت که با یگانه کتاب آسمانی در میان بشریت ارتباط ویژه دارد، در مباحث علوم قرآنی و نزد پژوهشگران از جایگاه خاصی برخوردار است.

«قراءات»، جمع «قرائت» و ساختار جمعی این کلمه حاکی از تنوع و اختلاف قرائت

است. بدرالدین زرکشی در تعریف قراءات چنین آورده است:

قراءات عبارت از اختلاف مربوط به «الفاظ» و «عبارات» وحی است که این اختلاف در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها - از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آن - از سوی قراء نقل شده است. (زرکشی/ ۱/ ۳۸)

اما دمیاطی، بر خلاف زرکشی، قراءات را منحصر در واژه‌ها و الفاظ اختلافی نمی‌داند بلکه اظهار می‌دارد که:

قراءات عبارت است از علمی که از رهگذر آن، اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلان کتاب خدا درباره ی حذف و اثبات، حرکت و سکون، فصل و وصل حروف و کلمات و نظیر آن از قبیل: کیفیت تلفظ و ابدال و غیره از طریق سماع و شنیدن قابل شناسایی باشد. (دمیاطی/ ۵)

ابن الجزری نیز مانند دمیاطی، سماع را در تعریف قراءات گنجانده و می‌گوید:

قراءات، عبارت از علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت است.

اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است. (ابن الجزری/ ۳)

حاصل آن که مقصود از قرائت تلقی قرآن و اخذ ثقه از ثقه است که اسناد سرانجام به رسول خدا (ص) می‌رسد. به عبارت دیگر: قرائت، عبارت از تلفظ الفاظ قرآن کریم به همان صورت و کیفیتی است که بر زبان مبارک رسول خدا (ص) جریان می‌یافت یا در حضور ایشان خوانده می‌شد و حضرتش آن را تأیید می‌کرد.

مصاحف حتی بعد از نشانه‌گذاری، اعراب و شکل نیز وافی به القای صورت صوتی صحیح برای قرائت نیست و نمی‌تواند به تنهایی مأخذ قرار گیرد. بنابراین، قاریان زمان رسول اکرم (ص) که مستقیماً قراءات قرآن را از آن حضرت اخذ کرده بودند، سعی کردند معارف و اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار دهند. به این ترتیب، گروهی از

ایشان به مقام استادی و تعلیم قرائت نایل شدند. گروهی از تابعین نیز، قرائت را از صحابه اخذ کرده و آن عده که در این امر بارز و برجسته شدند خود بر مسند اقرء و تعلیم تکیه زدند و مردم برای آموزش قرائت قرآن از اطراف به سوی آنها آمده و در شهرهایی چون مدینه، مکه، بصره، کوفه و شام حلقه‌های قرائت قرآن بر گرد اساتید تشکیل می‌شد. بنا به نقل ابن الجزری، قرآء قدیمی، هفت، ده، یا سیزده نفر بودند که در اعصار اولیه‌ی اسلامی شهرت زیادتری داشتند و دیگران از آنان اخذ قرائت می‌کردند. (خویی/۱۷۷)

از تعاریف یاد شده، موضوع علم قرائت نیز به دست می‌آید و آن عبارت است از کلمات قرآن مجید از جهات مورد نظر در تعاریف. فایده‌ی علم قرائت نیز قبل از هر چیز، صیانت و محافظت از قرآن کریم در مقابل هر گونه تحریف عمدی و سهوی است.

قرآء سبعة

پس از دوره ی صحابه و عصر تابعین، گروهی خاص در فن قرائت و کارآیی در آن، شهرت یافتند و صاحبان تخصص و مهارت در امر قرائت شناخته شدند. از این میان هفت نفر سرآمد دیگران گشته و به قرآء سبعة شهرت یافتند. اما علت اشتهار و انحصار آنان چه بوده است؟

تعداد راویانی که قراءات را از اساتید قرائت روایت کرده‌اند، در دوره ی دوم و سوم فزونی داشته و اختلاف آنان در امر قرائت بیشتر بوده است. در دوره ی چهارم، مردم بر آن شدند که از میان قراءاتی که با رسم الخط قرآن منطبق بود بر قراءاتی بسنده کنند که حفظ آنها آسان و نیز قرائت بر طبق آنها قابل ضبط و شایسته ی انطباق با قواعد کلی عربی باشد؛ لذا آن‌ها در صدد جست و جو و یافتن پیشوایی در قرائت برآمدند که به وثاقت و امانت و حسن تدبیر و کمال، معروف و از عمری طولانی و شهرتی در خور

بهره‌مند باشد و نیز معاصران او، عدالت و وثاقتش را در روایات و قراءات و همچنین علم و آگاهی او را نسبت به آنچه قرائت کرده است، متفقاً مورد تأیید قرار دهند. بر این اساس، در هر سرزمینی مردم امام و پیشوایی در قرائت برگزیدند که عبارت بودند از:

- ابو عمرو بن علاء، از بصره.

- حمزه بن حبيب زيات و عاصم بن ابي النجود، از کوفه و حوالی آن.

- کسائی، از مردم عراق.

- ابن کثیر، از اهل مکه.

- ابن عامر، از اهل شام.

- نافع، از اهل مدینه. (فضلی/۴۸)

طبرسی نیز در انگیزه‌ی توافق و هماهنگی مردم درباره‌ی این قراء و پیروی از آنان،

به دو علت اشاره می‌کند:

۱- این قاریان علاوه بر فزونی دانش نسبت به دیگران، عمده‌ی همت و فرصت خود

را درباره‌ی قرائت مصروف داشته و در این امر سخت کوش بودند.

۲- قرائت این قراء هم لفظاً و هم سماعاً از آغاز تا پایان قرآن کریم، به گونه‌ی مُسند

به دست آمده است. علاوه بر این که عملاً نسبت به وجوه قرآن به پرکاری شهره بوده و

با این وجوه عملاً در مقام اقرار سر و کار داشتند. (طبرسی/۱/۲۵)

دمیاطی نیز در این باره می‌نویسد: پس از آن که اختلاف مربوط به قراءات رو به

فزونی گذاشت، مردم تصمیم گرفتند پیشوایان و قاریان معروف به وثاقت و امانت در نقل

و درک صحیح و کمال علم را که عمری را در قرائت و اقرار سپری کرده بودند

برگزیدند. (دمیاطی/۵)

اما ابن مجاهد که خود اولین بار عنوان قراء سبعه را به کار برد در بیان سبب این

گزینش مطالبی ذکر نموده است که به اختصار آن را از نظر می گذرانیم:

قاریان و حاملان کتاب خدا چهار دسته اند:

دسته ی اول: قاریان مُعَرَّب که وجوه اعراب و قراءات را نیک می دانند و با لغات و معانی کلام، آشنا و از عیوب و لغزش های قراءات، آگاهند.

دسته دوم: قاریان فطری که همانند اعراب بادیه نشین قرائت و تکلم می کنند و کیفیت خواندن و مکالمه ی آنها فطری است.

دسته ی سوم: حافظان قرآن، قاریانی که از اعراب و قواعد و ضوابط زبان عربی آگاه نیستند و تنها آنچه را از دیگران فرا گرفته و حفظ کرده اند بر زبان می آورند.

دسته ی چهارم: بدعتگزاران که قرآن را از لحاظ اعراب، صحیح قرائت می کنند و به معانی آیات آشنا هستند و لغات قرآن را می شناسند، اما نسبت به قراءات مختلف و روایات مربوط فاقد علم هستند. لذا چه بسا آگاهی آنان به اعراب و دستور زبان، آنان را وادار کند که قرآن را به وجهی قرائت کنند که در زبان عربی جایز و با قواعد عربی منطبق بوده، لیکن از پیشینیان چنین قرائتی نرسیده باشد.

او سرانجام می گوید: دسته ی اول همان پیشوایانی هستند که حفاظ قرآن کریم در هر سرزمینی از بلاد اسلامی به آنها پناه برده و حل مشکل مربوط به قرائت را نزد آنان جست و جو می کنند. (ابن مجاهد/۱/۳۹۱)

انگیزه ی ابن مجاهد از این گزینش، پاسداری راه و رسم قراءات است تا از طریق نقل و روایت مورد اعتماد منحرف نشود و به طریق اجتهاد شخصی مایل نگردد.

الف: نَسَبِ قَرَاءِ سَبْعَه

از میان قراء هفتگانه، پنج نفر به تحقیق ایرانی اند:

۱. نافع بن اُبی نُعیم، از اهالی اصفهان. (ابن ندیم / ۴۲)
 ۲. ابو عمرو بن علاء، از مردم فارس و از قریه ی کازرون. (الجزری/۱۳۵۱/۱ / ۲۸۸)
 ۳. حمزه بن حبيب زیّات کوفی که از طریق دو نیا، ایرانی است. (حجتی/۱۳۷۲/۱ / ۳۲۸)
 ۴. کسائی، ابوالحسن علی بن حمزه بن عبدالله بن بهمن بن فیروز، از اهالی طوس یا ری. (الجزری/ همان/ ۱/ ۲۷۴)
 ۵. عبدالله بن کثیر مکی، از کسانی بود که کسرای ایران آنان را با کشتی‌هایی که به یمن فرستاده بود برای فتح حبشه گسیل داشت. (خوبی/ ۹۴)
- تنها دو تن از قاریان احتمالاً غیر ایرانی هستند: ۱- عاصم بن اُبی النجود ۲- عبدالله بن عامر یحصبی، قاری دمشق.
- بنا به نظر ابو عمرو دانی، عبدالله بن عامر عرب است. (الدانی/ ۶) لیکن ابن حجر وی را از جمله کسانی دانسته که نسبش مورد تردید است. (عسقلانی/ ۱/ ۲۷۴) عامر را نیز برخی ایرانی و اهل اهواز دانسته‌اند. (حموده/ ۲۱۸)

ب: مذاهب قراء سبعة

چهار تن از قراء: عاصم بن اُبی النجود، ابو عمر بن العلاء، حمزه بن حبيب و علی بن حمزه کسائی را شیعه ی اهل بیت (ع) و مذهب آنان را ثابت و مورد قبول ارباب سیره دانسته‌اند. (صدر/ ۳۴۷)

شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب نقض الفضائح علی تشیع عاصم و آنه کان مقتدی الشیعه آورده است: تشیع، آیین اکثر پیشوایان و استادان قرائت بوده است و اکثر قراء مکی و مدنی و کوفی و بصری، عدلیه و شیعه بوده‌اند نه مشبهه و خوارج و جبریّه. و روایات آنان نیز منقول از امیرالمؤمنین علی (ع) است. (همان/ ۳۴۶).

یکی از قاریان را نیز پیرو معاویه دانسته‌اند. ابن جزری می‌گوید:

ابن عامر از فسق و دروغ، پرهیزی نداشته است. وی از پیروان معاویه بوده و ادعای اخذ قرائت از کسانی داشته که اصلاً آنان را ندیده یا مانند معاویه اصولاً قاری نبوده‌اند. (الجزری/۱/۲۹۷).

مذهب دو قاری دیگر ابن کثیر و نافع نامعلوم است.

حوزه‌های قرائت در کوفه

اینک حوزه‌های قرائت در کوفه از زمان پیامبر اکرم (ص) تا سال ۷۵ هجری، آغاز تصدی عاصم بن ابی النجود، را به اختصار از نظر می‌گذرانیم. دانستیم که بنیاد حوزه‌های قرائت توسط شخص رسول اکرم (ص) نهاده شد. سپس با تأیید پیامبر بعضی از صحابه حوزه ی قرائت تشکیل دادند و به این ترتیب مراکز قرائت قرآن شکل گرفت.

الف: حوزه ی عبدالله بن مسعود

اولین مقری رسمی قرآن که از طرف خلیفه ی دوم جهت اقرار اهل کوفه مأمور گردید عبدالله بن مسعود بود. وی اولین صحابی بود که آشکارا در مکه قرآن خواند و در این راه مورد آزار و اذیت قریش قرار گرفت. او در بسیاری از کارهای پیامبر (ص) خدمتگزار ایشان بود بدون مانع به خانه ی پیامبر (ص) آمد و شد داشت، انس او با پیامبر تا حدی بود که برخی گمان کردند که او از اهل بیت پیامبر (ص) است. وی در دو هجرت مسلمانان شرکت داشت، به سوی دو قبله نماز گزارد و در تمام جنگها با پیامبر (ص) همراه بود. در بین صحابه، پس از علی (ع) از همه در حفظ قرآن کوشاتر بود و

پیامبر استماع قرائت او را دوست می‌داشت. وی مدت بیست سال با اشتیاق و علاقه‌مندی فراوان به کار اقرء ادامه داد و سرانجام در سال ۳۳ هجری در اثر ضربه‌ای که به امر عثمان بر وی وارد آمد، در گذشت.

ب: حوزه‌ی عبدالرحمن سلمی

ابوعبدالرحمن، عبدالله بن حبیب بن ربیعہ سلمی، در زمان حیات پیامبر (ص) متولد شد. قرائت قرآن را از ابن مسعود فرا گرفت و بنا به نقل ذهبی، قرائت خود را بر علی (ع)، زیدبن ثابت و اُبی بن کعب عرضه کرد.

پس از وفات عبدالله بن مسعود، ابو عبدالرحمن سلمی، قاری کوفه شد. وی مدت چهل سال در مسجد کوفه به مردم قرائت می‌آموخت؛ در ایام خلافت عثمان قاری بود تا اینکه در سال ۷۴ به هنگام حکومت شبر بر عراق یا، به قولی، اوایل حکومت حجاج در گذشت.

همزمان با سلمی یکی دیگر از تابعین که حوزه‌ی قرائت پر رونقی داشت و بعضی از شاگردان سلمی نیز از او قرائت آموختند ابو مریم زر بن حبیش بود.

ج: حوزه‌ی ابومریم زر بن حبیش

زر بن حبیش مکنی به ابومریم یا ابو مطرف، دوران جاهلیت را درک کرده ولی پیامبر (ص) را ندیده بود. وی از بزرگان تابعین و مورد وثوق امیرالمؤمنین علی (ع) بود. قرائت قرآن را از علی (ع) و ابن مسعود فرا گرفت. در عربیت از همه برتر بود به گونه‌ای که ابن مسعود در این زمینه به او مراجعه می‌کرد. وی در سال ۸۳ هجری و در سن ۱۲۷ سالگی دار فانی را وداع گفت. حوزه‌ی پررونق ابوعبدالرحمن سلمی پس از وفاتش تحت تصدی ابوبکر عاصم بن اُبی النجدود قرار گرفت.

د: حوزه ی عاصم بن ابی النجود^۱

نام پدر عاصم، بهدله بوده است (برخی نیز مادر وی را به این نام دانسته‌اند). وی در دوران امارت معاویه بن ابی سفیان به دنیا آمده و قرآن را بر ابو عبدالرحمن سلمی و زر بن حبیش و ابو عمرو شیبانی قرائت کرده است. (خویی/۹۵)

عاصم پس از وفات استادش ابو عبدالرحمن، قاری کوفه شد و همانند استادش، نابینا بود و غالباً یک نفر عصاکش داشت که او را جابجا می‌کرد. (ذهبی/۲۵۶/۵) وی می‌گوید:

هیچ کس جز عبدالرحمن به من قرائت قرآن را نیاموخت و من هرگز از

قرائت او تخطی نکردم. (اندرابی/۱۰۸)

ابو عبدالرحمن نیز از حضرت علی (ع) قرائت آموخته و همواره به آن پایبند بوده است. بنابراین عاصم با یک واسطه راوی قرائت امیرالمؤمنین علی (ع) است.

حوزه ی بزرگ قرائت عاصم، ۵۴ سال ادامه یافت. ابن جرزی ۲۹ نفر از قراء سده ی دوم هجری را که از عاصم روایت کرده‌اند، نام برده است. (ذهبی/حافظ/۷۶/۱-۷۳) وی در سال ۱۲۷ یا ۱۲۸ه.ق درگذشت.

دلایل ترجیح قرائت عاصم

الف: شخصیت علمی و دینی عاصم

عاصم از دیدگاه دانشمندان شیعه و نیز علماء اهل سنت، شخصیتی بارز و با تقوی و مورد اعتماد در قرائت بوده است. آنان وی را جامع فصاحت و قرائت صحیح و تجوید معرفی کرده و صاحب صوت خوش و دلنواز دانسته‌اند.

۱. ابوبکر عاصم بن ابی النجود بن بهدله، مولی بنی خزیمه (با بنی خزیمه) ابن مالک بن نصر بن قعین.

بررسی علل برتری قرائت عاصم/۳۵

قاضی نورالله شوشتری و نیز سید حسن صدر، به تشیع عاصم تصریح دارند، به همین جهت قاطبه ی دانشمندان شیعه، قرائت عاصم را فصیح‌ترین قراءات دانسته‌اند. چنانکه ابن جزری نیز در رده‌بندی قراءات قرآء سبعة، قرائت عاصم را افصح القراءات نامیده است. (الجزری/همان/۷۵/۱)

اینک به برخی از آراء صاحب نظران حاکی از وثاقت و ارج و مقدار او در امر قرائت اشاره می‌شود. ابن خلکان می‌گوید: عاصم در قرائت مورد توجه همگان و انگشت‌نما بود. (ابن خلکان/۹/۱)

عبدالله بن احمد بن حنبل می‌گوید: از پدرم درباره عاصم سؤال کردم. در پاسخ گفت: شخصیتی شایسته و فردی ثقه و مورد اعتماد است. سپس پرسیدم: کدام یک از قراءات نزد تو محبوب‌تر و دلپذیرتر است؟ او گفت: قرائت اهل مدینه. گفتم: و بعد. گفت: قرائت عاصم، مردم کوفه قرائت عاصم را پذیرفته‌اند و من نیز آن را اختیار کرده‌ام. (عسقلانی/۳۹/۵)

ابن الجزری می‌نویسد: ابو زُرعه و گروهی از محدثان، عاصم را توثیق کرده‌اند. (الجزری/همان/۳۲۶/۱) مرحوم خوانساری نیز آورده است که: قرائت عاصم، قرائت متداول بین مسلمانان است و از این رو، قرائت او همه جا با مرکب سیاه نوشته می‌شود و قرائت‌های دیگر را با رنگ‌های دیگر می‌نویسند تا با قرائت عاصم اشتباه نشود. (خوانساری/۴/۵)

ابو بکر بن عیاش، راوی عاصم، رویدادی را از آخرین لحظات زندگی عاصم نقل

کرده و می گوید: وارد بر عاصم شدم در حالی که ساعات پایان عمر خود را طی می کرد، شنیدم که آیه ای را به روش تحقیق و به صورتی که گویا آن را در نماز می خواند، قرائت می کرد و آن این آیه بود:

«وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَآكِنُوا يَفْتَرُونَ» (یونس/۳۰)

(خوانساری/همان/۵).

با توجه به اینکه هیچ یک از قراء مانند عاصم مورد تأیید نبوده اند، اهمیت مقام او در قرائت ثابت می گردد. علاوه بر موقعیت علمی و فردی عاصم، یکی از عمده ترین دلایل ترجیح قرائت او بر دیگر قراءات، اسناد قرائت اوست.

ب: اسناد قرائت عاصم

ابو محمد مکی بن ابیطالب می گوید:

صحیح ترین قرائت ها از نظر سند، قرائت عاصم و نافع است.

(سیوطی/۱/۲۲۵)

علم اسناد خصوصاً در زمینه ی قراءات و حدیث توجه دقیق و وافر عالمان مسلمان را به خود جلب کرده است. شهاب الدین قسطلانی در کتاب خود لطائف الاشارات لفنون القراءات، اهمیت این علم را چنین بیان کرده است:

علم اسناد، بزرگ ترین محور فن قرائت است. زیرا قراءات به پیروی از

سنت و صرفاً بر پایه نقل است. لذا گزیری جز اثبات و صحت آن نیست.

صحت و اثبات آن نیز جز از طریق اسناد ممکن نیست. از این روست که

شناخت علم قرائت بر پایه درک اسناد بنا شده است. (قسطلانی/۸۸)

انواع اسناد از نظر قسطلانی چنین است:

۱- اسناد صحیح که به نقل عدل ضابط، ثقه و متقن از مانند خود تا پایان سند متکی

است، بدون هیچ شذوذ و علت مضر.

این اسناد متصل است و در آن هیچ واسطه از سلسله‌ی راویان مفقود نیست به گونه‌ای

که هر یک قرائت را از شیخ و استاد خویش فرا گرفته است.

۲- اسناد حسن که مخرج آن به شامی، عراقی، مکی یا کوفی بودن معروف است و

رجال آن در عدالت و ضبط شهرت دارند، البته عدالت و ضبطی که حد وسط صحیح و

ضعیف و نیز شاذ و معلل نباشد. یعنی علت و نقصی در آن پیدا نشود که به رغم دوری

ظاهر آن از نقص، صحت آن را خدشه‌دار کند.

۳- اسناد ضعیف که فاقد یکی از شروط پنجگانه‌ی اسناد صحیح است.

بدین ترتیب پنج شرط برای اسناد صحیح در تعریف لحاظ شده است:

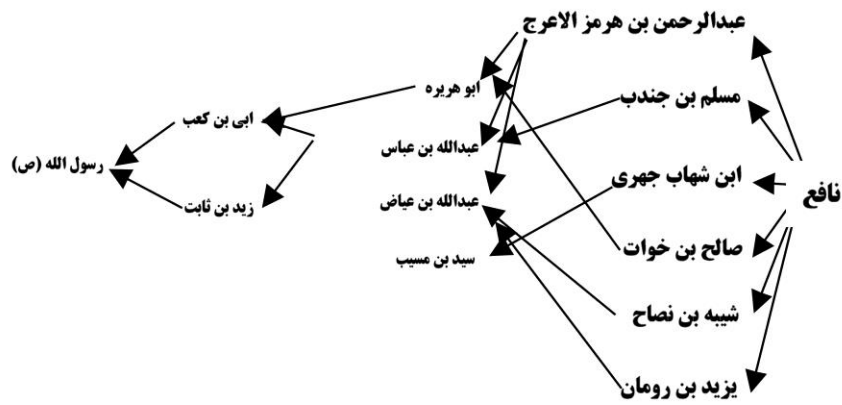
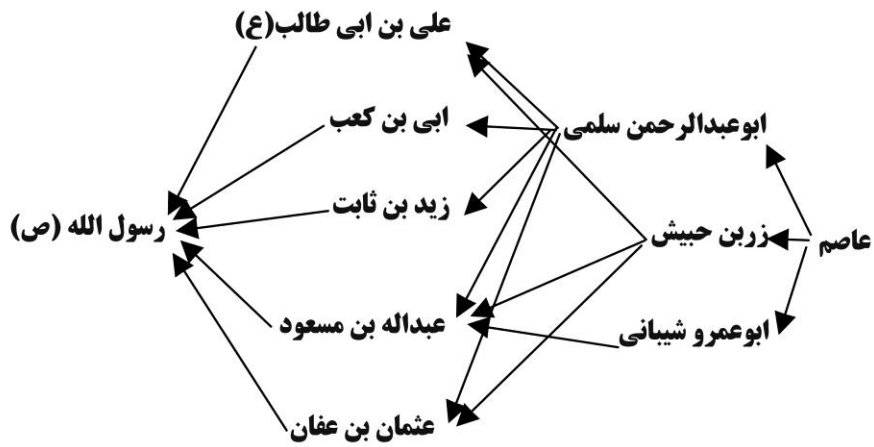
۱- اتصال سند ۲- نقل عدل ضابط ثقه ۳- از عدل ضابط ثقه ۴- وجود شروط ۲ و ۳

تا انتهای سند ۵- نبود شذوذ و علت^۱

اما اسناد قرائت عاصم و نافع که صحیح‌ترین سندها معرفی شده‌اند، به

شرح نمودار ارائه شده است: (مختار عمر/۱/۸۷-۸۱)

۱. هو المتصل الاسناد بنقل عدل ضابط، ثقه، متقن عن مثله الی منتهاه، من غیر شذوذ و لا علة قادحه



سند قرائت عاصم، سند عالی است و تنها با یک واسطه به علی بن ابیطالب (ع) و از ایشان به رسول خدا (ص) منتهی می شود. البته سند قرائت ابن عامر نیز از قلت و سایط

بهره‌مند است و تنها با واسطه ی عثمان بن عفان به رسول خدا (ص) منسوب شده است؛ اما با رجوع به شرح حال ابن عامر و بیانات ابن حجر و ابن الجزری در باره ی او، از اعتبار آن کاسته می‌شود.

در توصیف مقام علمی و دینی عاصم ذکر این نکته نیز ضروری است که ابان بن تغلب قرآن را بر او خوانده و وی اولین کسی است که در علم قرائت کتاب نگاشته است.^۱ (شیخ طوسی / الفهرست/ ۱۷) ابن ندیم در فهرست خود، ذیل شرح حال ابان، از کتب وی نام می‌برد و می‌گوید:

له من الکتب کتاب معانی القرآن لطیف، کتاب القراءات، کتاب من الاصول فی الروایة علی مذهب الشیعه. نجاشی نیز در ترجمه ی احوال ابان از کتاب القراءه یاد کرده است. (رجال نجاشی/ ۱۷)

راویان عاصم

قرائت هر قاری را عده‌ای نقل می‌کنند که از آنها به راوی تعبیر می‌شود و ناقلان روایت راوی را طرق روایت می‌گویند. پس طریق یعنی همان واسطه‌هایی که قرائت راوی را برای ما نقل کرده‌اند.

هر قاری چند راوی دارد که از میان آن‌ها، دو راوی از همه مشهورترند، به طوری که مشخصات آن دو ضبط گردیده است. به طور کلی، هر گاه دو راوی در یک مورد متفقاً وجه و یا وجوه مشابهی را از قاری نقل کنند، به آن وجه یا وجوه قرائت قاری گفته می‌شود. اما چنانچه دو راوی، وجوه مختلفی را نقل کنند در آن صورت، به آن روایت راوی از قاری گفته می‌شود. از میان راویان عاصم نیز، دو نفر معروفیت دارند: ابویکر

۱. ابان بن تغلب در سال ۱۴۱ از دنیا رفته است.

شعبه بن عیاش و حفص بن سلیمان.

الف: ابوبکر شعبه بن عیاش

نام کامل وی، شعبه بن عیاش بن سالم اسدی نهلشی کوفی و مکنی به ابوبکر است. پس از وفات عاصم (در سال ۱۲۷ ه.ق) ریاست حوزه ی قرائت به او رسید. او در آن زمان ۳۳ سال داشت و تا آخر عمر (سال ۱۹۳) نزدیک به ۵۸ سال فعال بود. وی سه بار قرآن را بر عاصم خوانده و از پیشوایان اهل سنت بوده است. ابوبکر حدود ۷ سال پیش از مرگش، سمت اقراء و بررسی قرائت دیگران را رها کرد. (عسقلانی/۱۲/۳۵)

اهل نظر غالباً وی را دارای حافظه ای قوی ندانسته و به وی نسبت لغزش و اشتباه و اضطراب داده اند. ابونعیم در طبقات القراء آورده است: در میان اساتید قرائت، هیچ کس بیش از ابوبکر گرفتار اشتباه نبوده است. و نیز بزّاز اسدی گفته است: وی حافظ و ضابط در حدیث نبوده است. (حجتی/۱۳۶۵/۳۲۷)

ابن ابی حاتم نیز می گوید: از پدرم در باره ی ابوبکر بن عیاش و ابی الاحوص سؤال کردم گفت: ما اقرّ بهما (من صحت این دو را تأیید نمی کنم). روایت شعبه از دو طریق نقل شده است:

۱. یحیی بن آدم که روایت او نیز از دو طریق ابوحمدون (م. ۲۴۰) و شعیب بن ایوب (م. ۲۶۱) وارد شده و در مجموع ۵۸ طریق برای او ذکر شده است.
۲. یحیی العلیمی (م. ۲۳۴) که روایت او نیز با واسطه ی ابوبکرالوسطی (م. ۳۲۳) از دو طریق الرزّاز ابو عمرو عثمان بن احمد بن سمعان بغدادی (م. ۳۶۰) و ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن جعفر بن خلیع (م. ۳۵۶) وارد شده و در مجموع ۱۰ طریق برای او ذکر شده است.

بدین ترتیب برای ابوبکر شعبه بن عیاش، ۶۸ طریق عنوان شده است. (الجزری / ۱ / ۱۵۲)

ب: حفص بن سلیمان (۹۰-۱۸۰)

ابو عمرو، حفص بن سلیمان بن مغیره بزاز اسدی کوفی، مشهور به حفص بوده و او را ربیب (فرزند همسر) عاصم می‌دانند. چنان که نوشته‌اند، حفص، همانند نوآموزی که قرآن از استاد می‌آموزد قرائت را پنج آیه، پنج آیه از عاصم اخذ کرده است. وی از نظر سنی از ابوبکر بزرگ‌تر بود ولی در برابر شهرت و نفوذ او در کوفه جای عرض اندام نمی‌دید. مدتی در مکه و زمانی نیز در بغداد به اقراء نشست. (زنجان/ ۴۱)

روایت حفص، دقیق‌ترین روایات از عاصم شمرده شده است و ابن المنادی، مقری معروف می‌گوید:

بارها بر عاصم قرآن را قرائت کرد و پیشینیان او را در حفظ از ابوبکر بالاتر می‌شناسند و او را به ضبط دقیق حروفی که بر عاصم قرائت می‌کرد، توصیف می‌کنند. ابوحشام رفاعی نیز می‌گوید: کان حفص اعلمهم بقراءة عاصم. (الجزری/ ۱۳۵۹/ ۲۴۵)

یحیی بن معین نیز روایت حفص را روایت صحیح از قرائت عاصم نامیده است. حفص، تشیع را از شیخ خود، عاصم گرفته و شیخ ابوجعفر طوسی وی را از اصحاب امام صادق (ع) برشمرده است. قرائتی را که عاصم به حفص آموخت، او خود از ابوعبدالرحمن سلمی آموخته و ابوعبدالرحمن نیز از علی (ع) فرا گرفته بود.

قرائت حفص برخوردار از چنین سندیت و اعتباری تاکنون قرائت متعارف و متداول بین مسلمانان بوده و قرائت عامه، بر مبنای آن بوده است.

طرق حفص

برای روایت حفص طرق عدیده‌ای ذکر شده که عبارت است از:

۱. عبید بن الصباح (م. ۲۳۵) که روایت او نیز به واسطه ابوالعباس، احمد بن سهل بن الفیروزانی الاشنانی (م. ۳۰۷)، از دو طریق طاهر عبدالواحد بن ابی هاشم البغدادی و ابوالحسن الهاشمی البصری (م. ۳۶۸) وارد شده است.
۲. عمرو بن الصباح (م. ۲۲۱) که روایت او از دو طریق ابوالحسن زرعان البغدادی (م. ۲۹) و ابوجعفر احمد بن محمد بن حمید الفیل البغدادی (م. ۲۸۹) وارد شده است. در مجموع ۵۲ طریق برای روایت حفص از قرائت عاصم، ذکر شده است که با احتساب ۷۶ طریق روایت شعبه، طرق روایت از عاصم به ۱۲۸ طرق می‌رسد. (الجزری / ۱۵۶)

ج: تفاوت حفص و ابوبکر در روایت

ابوبکر، شعبه بن عیاش، علاوه بر آنچه از استادش عاصم آموخته بود، موارد اتفاق قراءات حجاز، بصره و شام را نیز مدّ نظر داشته و بنای قرائت خود را بر آن نهاده است. دیدگاه‌های لغوی و نحوی در روایت ابوبکر، همواره حضور خود را نشان می‌دهد که گاهی به صورت تغییر صیغه‌ی باب افعال و در بسیاری موارد به صورت تغییر صیغه‌ی فعل از خطاب به غیبت، از غیبت به متکلم، از معلوم به مجهول و برعکس دیده می‌شود. بررسی کلی، حاکی از این است که اختلاف روایت حفص و شعبه از عاصم به ۵۲۰ مورد می‌رسد. (ذهبی / ۸۷/۱) با این که حفص خود می‌گوید: قرائت عاصم که همان قرائت علی (ع) است را بدون کم و زیاد اقرار می‌کند. به عبارت دیگر حفص بر خلاف ابوبکر که داعیه‌ی اختیار در قرائت داشت، اصرار نموده که قرائت عاصم را بدون هیچ دستبردی اقرار می‌کند.

د: ترجیح روایت حفص

در غایه‌ی نهایتاً آمده است: روایت حفص از عاصم، همان قرائت عامه است که قرائت

همه‌ی صحابه بوده و همواره در زمان پیامبر (ص) و پس از رحلت ایشان تاکنون به عنوان متن قرآن شناخته شده و قراءات مختلف با آن سنجیده شده‌اند. (همان/۲۵۴)

ابوشامه نیز می‌گوید: روایت حفص از جهات لغوی، نحوی، بلاغی و تفسیری بر دیگر قراءات حتی روایت ابوبکر از عاصم، مرجح است.

قرائت حفص یک قرائت شیعی ناب و خالص است که در سلسله‌ی زیر به نبی مکرم اسلام (ص) می‌رسد:

حفص => عاصم => سلمی => علی بن ابیطالب (ع) => رسول اکرم (ص)

نتیجه‌گیری:

از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که ۲ عامل، دلیل ترجیح قرائت عاصم بر قرآء دیگر بوده است: ۱- خصوصیات و خصایل ممتاز علمی و دینی عاصم ۲- اسناد قرائت.

این دو عامل در ترجیح روایت حفص بر روایت شعبه از عاصم، قابل پیگیری و اثبات است. شخصیت علمی حفص بر ابوبکر مرجح است چرا که غالباً او را اضبط از ابوبکر و روایت او را دقیق‌ترین روایات دانسته‌اند و نیز او، برخلاف ابوبکر، در قرائت، داعیه‌ی اختیار نداشته و تنها آنچه را از استاد دانسته است عیناً قرائت کرده است. (بغدادی/۱۴)

عاصم، اختصاصاً اسناد طلایی و عالی قرائت خود را به حفص منتقل کرده و این فضیلت بزرگی است که حفص در بین دیگر قرآء بدان ممتاز است و این، آن چیزی است که صلاحیتی را برای حفص به وجود آورده است که همه مسلمانان به او روی آوردند و تنها قرائت او را بپذیرند.

حفص می‌گوید:

عاصم به من گفت: قرائتی را که به تو آموختم، همان قرائتی است که از

ابوعبدالرحمن سلمی اخذ کردم و او عیناً از علی (ع) فراگرفته است و قرائتی را که به ابوبکر بن عیاش آموختم، قرائتی است که بر زر بن حبیش عرضه کردم و او از ابن مسعود آن را اخذ کرده بود. (زینحار/۵۸)

به این ترتیب، در تمام دوره‌های تاریخ، قرائت عاصم به روایت حفص، قرائتی بوده که بر همه‌ی قرائت‌ها ترجیح داشته و بین عامه‌ی مسلمانان رایج بوده است.

در سال ۱۳۴۲ ه. ق (۱۹۲۳ م) قرآن بر طبق روایت حفص از قرائت عاصم و تحت نظر اساتید الازهر و تأیید کمیته‌ای که از سوی ملک فؤاد اول تعیین گردید، در قاهره به چاپ رسید. اعضای این کمیته عبارت بودند از: شیخ محمد علی نجار (استاد دانشکده زبان و ادبیات عرب)، شیخ عبدالحلیم بسیوفی (مدیر دفتر رئیس جامع الازهر) و شیخ علی محمد ضباع (استاد مقررین مصری).

به سال ۱۳۸۵ ه. نسخه از قرآن همراه با تفسیر علامه سید عبدالله شبّر زیر نظر اساتید برجسته ی دانشگاه الازهر و بر پایه ی روایت حفص از قرائت عاصم به چاپ رسید. در ابتدای آن چنین آمده است:

بحمدالله و حسن توفیقه ثم طبع هذا المصحف الشريف باذن مشايخة
الجامع الازهر باشراف مراقبة البحوث الاسلامية بعد مراجعة لجنة المصاحف
بالازهر.

...كتب هذا المصحف و ضبط على ما يوافق رواية حفص بن سليمان بن
المغيبره الاسدي الكوفي لقراءة عاصم بن ابي النجود الكوفي التابعي عن ابي
عبدالرحمن عبدالله بن حبيب السلمی عن عثمان بن عفان و علی بن ابيطالب و
زيد بن ثابت و ابي بن كعب عن النبي صلى الله عليه و سلم...

سرانجام جهان اسلام این مصحف را تلقی به قبول کردند و میلیونها نسخه در سال از این قرآن به چاپ رسید که به صورت مصحف منحصر به فرد در میان مسلمین در آمد و میان آنها متداول شد، چرا که دانشمندان شرق و غرب بلاد اسلامی، با اتفاق نظر و دقت کامل، رسم الخط و کتابت این مصحف را گواهی و تصدیق کرده بودند. (الجزری، بی تا، ۱، ۱۵۶)

کتاب شناسی

- ابن الجزری، منجد المقربین، قاهره، ۱۳۵۰.
- ابن ندیم، فهرست.
- ابن خلکان، وفيات الاعیان و اتباع ابناء الزمان، قم، ۱۳۶۴ ه.ق.
- ابن مجاهد، کتاب السبعة فی القراءات، تحقیق دکتر شوقی ضعیف، قاهره ۱۹۷۲ م.
- الجزری، محمد، النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضباع، بیروت، بیتا.
- الجزری، محمد، غاية النهاية فی طبقات القراء، قاهره، ۱۳۵۱ ه.ق.
- الدانی، عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، استانبول، ۱۹۳۰ م.
- بغدادی، علی بن قاصع، سراج القاری المبتدی و تذکار القاری المنتهی، قاهره، ۱۳۷۳.
- بن سعید، محمد، طبقات الکبری، بیروت، ۱۳۷۷.

- حجتی، دکتر سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلام، ۱۳۶۵ ه. ش.
- حجتی، سید محمد باقر، تاریخ قرآن کریم، تهران ۱۳۷۲ ه. ش.
- حموده، عبد الوهاب، القراءات واللهجات، قاهره، ۱۳۶۸.
- خوانساری، سید محمد باقر، روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات، ایران، ۱۳۴۱ ه. ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، نجف، ۱۳۸۵ ه. ق.
- دمیاطی، احمد، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربع عشر، تصحیح علی محمد ضیاع، قاهره، ۱۳۴۵.
- ذهبی، احمد بن محمد، سیر اعلام النبلاء.
- ذهبی، حافظ، معرفة القراء الكبار علی الطبقات و لاعصار، تحقیق سید جواد الحق، بی تا.
- زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق ابوالفضل ابراهیمی، مصر، ۱۹۷۵ م.
- زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ القرآن، چاپ سوم، بیروت، ۱۳۸۸ ه. ق.
- زینحار، احمد محمد، السبیل الی ضبط کلمات التنزیل، قاهره، ۱۳۷۳.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، ۱۳۷۰.

- صدر سید حسن، تاسیس الشيعة الكرام لعلوم الاسلام، بغداد، ۱۹۵۱م.
- طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ه ق.
- عسقلانی، ابن حجر، تهذيب التهذيب، هند، ۱۳۲۵ه ق.
- فضلی، عبدالهادی، تاريخ القراءات قرآن کریم، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجّتی، تهران، ۱۳۶۵ ه ش.
- قسطلانی، شهاب الدین، لطائف الاشارات لفنون القراءات، تحقیق و تعلیق شیخ عامر سعید عثمان و دکتر عبدالصبور شاهین، قاهره، ۱۳۹۲ه ق.
- لسانی، محمد علی، قرآء سبعة و گزارش و بررسی قراءات ایشان، پایان نامه دکتری، ۱۳۷۲، دانشگاه تهران.
- مختار عمر، دکتر احمد، معجم القراءات القرآنية، تحقیق دکتر عبدالعال سالم مکرک، ایران: ۱۴۲۰ه ق.